

Ensuring sustainable public security by being mapped out by people-centered social capital

Mohsen Rostami¹
Taktam Shahrestani²

Abstract

Providing and realizing sustainable public security today requires observing the complexities and considering information calculations, relationships and depth of relationships in the social arena. Intertwined networks in the social sphere generate many capacities and capabilities that must be considered and emphasized by those in charge and those involved in the country's security system and in appropriate ways for the desired goals, control and management. To be. Now, assuming that public security comes from a positive and desirable society with social capital, the security approach to social capital (including mutual trust, public awareness and public participation, etc.) for « "Establishing and maintaining public order", "reducing crime" and "rule of law and regulations" in the Islamic system. In this regard, "social capital" as one of the important and key concepts, due to the use of software approach is one of the main axes of studies and strategies to ensure soft security in the macro, sectoral and micro areas. Therefore, this article tries to examine the role of social capital in providing and achieving public security.

Keywords: social capital, public security, trust, participation, wareness

¹ Assistant Professor, University and Higher Research Institute of National Defense and Strategic Research, Tehran, Iran.

Mmahya1392@gamil.com

² Assistant Professor, University and Higher Research Institute of National Defense and Strategic Research, Tehran, Iran.

M.dehghan1350@gmail.com

تأمین امنیت عمومی پایدار با نقش پذیری از سرمایه‌ی اجتماعی

مردم محور

محسن رستمی^۱

محمدحسن دهقان^۲

چکیده

امروزه تأمین و تحقق امنیت عمومی پایدار نیازمند رعایت پیچیدگی‌ها و در نظر گرفتن محاسبات اطلاعاتی، مناسبات و عمق روابط در عرصه‌ی اجتماعی است. شبکه‌های به هم تنیده در حوزه‌ی اجتماعی مولد ظرفیت‌ها و قابلیت‌های زیادی است که ضرورتاً می‌بایست از سوی متولیان و دست‌اندرکاران سیستم امنیتی کشور مدنظر و مورد تأکید قرار گرفته و به طرق مقتضی در جهت اهداف مطلوب، کنترل و مدیریت شوند. حال با این فرض که امنیت عمومی، برآمده از جامعه‌ای با سرمایه‌ی اجتماعی مثبت و مطلوب است، رویکرد امنیت ناظر بر سرمایه‌ی اجتماعی (شامل اعتماد متقابل، آگاهی عمومی و مشارکت مردمی و...) برای «ایجاد و حفظ نظم عمومی»، «کاهش وقوع جرم» و «حاکمیت قوانین و مقررات» در نظام اسلامی است. در این راستا «سرمایه‌ی اجتماعی» به‌عنوان یکی از مفاهیم مهم و کلیدی، به دلیل بهره‌مندی از رویکرد نرم افزارانه از محورهای اصلی مطالعات و راهبردهای تأمین امنیت نرم در عرصه‌های کلان، بخشی و خرد است. از همین رو، این مقاله، در تلاش است تا نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تأمین و تحقق امنیت عمومی را مورد مذاقه و بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: سرمایه‌ی اجتماعی، امنیت عمومی، اعتماد، مشارکت، آگاهی.

^۱ استادیار دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران. ایران (نویسنده‌ی مسئول)

Mmahya1392@gmail.com

^۲ استادیار دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی و تحقیقات راهبردی، تهران. ایران

مقدمه

واژه‌ی مصطلح و رایج «سرمایه‌ی اجتماعی»^۱ در ادبیات امروزی علوم اجتماعی، محصول نظریات و تفکرات غربی است. در واقع، پس از آن که اروپا و جهان غرب، با عارضه‌ی دین-گریزی افراطی و به اصطلاح خود «نهضت روشنگری»^۲ مواجه گردید؛ ناگزیر برای پر نمودن خلأ معنوی و محتوایی، به زعم خود به خلق و ایجاد فرمول‌ها و بسته‌های معرفتی نوین برای پیشبرد امور در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی گرایش یافت؛ پکیج مفهومی «سرمایه-ی اجتماعی» و لوازم و الزامات آن که در دهه‌های نخست قرن بیستم برای توصیف و ترمیم نابسامانی‌های جامعه‌ی غرب تولید گردید از جمله نظریات و بسته‌های مفهومی بوده که در دهه‌های پس از جنگ جهانی دوم، با رویکردهای سیاسی خاصی و از جمله برای بسترسازی نفوذ بیگانگان در ارکان حاکمیتی کشورها مورد توجه قرار داشته است.

با این مقدمه، سرمایه‌ی اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی ما، مجموعه‌ای از ارزش‌های محاط و درونی در ایدئولوژی و فرهنگ دینی و اسلامی محسوب می‌گردد که به‌رغم تشابه کلامی، به لحاظ مفهومی و معنایی اختلافات زیادی با ادبیات رایج در غرب دارد؛ لذا سرمایه‌ی اجتماعی در این مقاله، هم چون ظرف و کالایی است که محتوا و مظروف آن، مشروعیت و اثربخشی آن را نمایان می‌سازد؛ فی‌الواقع، خروجی دستگاه و سیستم ارزش‌گذاری بر سرمایه‌ی اجتماعی تولیدشده از روابط فی‌مابین شبکه‌ها و عناصر اجتماعی است که اصالت آن را مشخص می‌نماید؛ تردیدی نیست که سرمایه‌ی اجتماعی تولیدشده ناشی از مناسبات میان اجزا و عناصر یک شبکه و گروه بزه‌کار اجتماعی، سرمایه‌ی اجتماعی منفی و ضد امنیت عمومی تلقی گردیده و به‌ناچار باید سیاست‌های کنترلی و تحدیدکننده نسبت به آن اعمال داشت. با این فرض، لازمه‌ی کاربری مثبت سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان یک مفهوم اثربخش در مسائل اجتماعی و امنیتی در کشور، در نظر گرفتن خاستگاه و پایگاه دینی و آن‌هم اسلام ناب محمدی(ص) خواهد بود که در این مقاله، مبتنی بر رهیافت فوق، اصالت سرمایه‌ی

^۱ Social Capital

^۲ Enlightenment

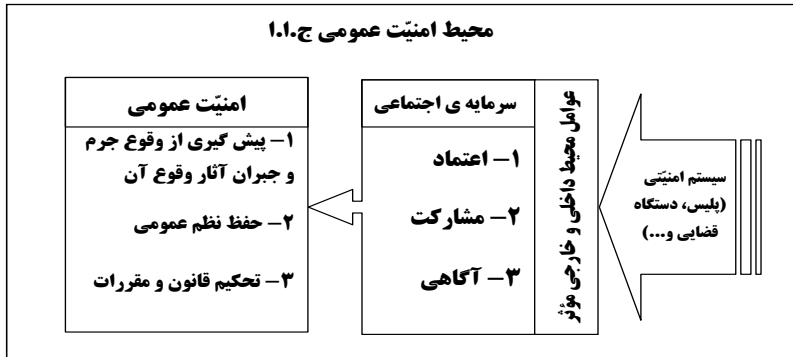
اجتماعی منتج از دین و آموزه‌های وحیانی در امنیت بخشی به حوزه‌ی عمومی جامعه مورد توجه قرار خواهد داشت.

تبیین مسئله

در دکترین امنیتی نظام اسلامی، حضور و مشارکت فعال مردم در تأمین و تحقق شقوق مختلف امنیت از نقش و اهمیت بارزی برخوردار است (که به‌طور نمونه می‌توان به تشکیلات راهبردی «بسیج مستضعفین» اشاره داشت)؛ سیستم‌های امنیتی حکومتی به‌طور جد و پیگیر، همواره در صدد بوده و هستند تا از طرق گوناگون نسبت به سالم نگه‌داشتن و صیانت از این سرمایه‌ی مردمی اهتمام و تدبیر نمایند؛ توفیق نظام امنیتی برخاسته از میان توده‌های مردمی در حکومت اسلامی در جلب هدفمند «اعتماد عمومی» و ارتقای مطلوب عنصر «آگاهی» به‌عنوان پیش‌شرط «مشارکت اجتماعی» به کاربرد صحیح و منطقی «سرمایه‌ی اجتماعی» وابسته است. به‌طور اجمال، سرمایه‌ی اجتماعی به مجموعه‌ای از عناصر «دین‌باوری و تعهد دینی»، «اعتماد»، «مشارکت» و «آگاهی» که در شبکه‌های ارتباطی میان خانواده، اقوام، نهادهای اجتماعی و ... برقرار می‌شود اطلاق می‌گردد. امروزه دستگاه‌ها و سیستم‌های تأمین امنیت عمومی^۱ در کشور اعم از سازمان نیروی انتظامی، واحدهای مختلف دستگاه قضایی و ... در پی تطور و ایجاد تغییرات و تحولات عصری، به این باور، نیاز و تجربه نائل آمده‌اند که به دلیل پراکندگی مؤلفه‌های قدرت در جامعه، نمی‌توان به روال گذشته و صرفاً با تکیه بر فنون و شیوه‌های پلیسی و انتظامی سخت، در تأمین امنیت عمومی - به معنای پیش‌گیری از وقوع جرائم، ایجاد و حفظ نظم عمومی و حاکمیت قوانین و مقررات - توفیق یافت. بر این اساس، رویکردهای نرم قدرت و امنیت، عموماً همپای رویکردهای سخت در حال رشد و توسعه است. امروزه مطالعات امنیتی، به این پرسش و مسئله اصلی توجه دارد که سرمایه‌ی اجتماعی با کدام راهبردها قابلیت تأمین «امنیت عمومی کشور» را خواهد داشت؟ این مقاله بر آن است تا نقش عنصر مهم و چندوجهی «سرمایه‌ی اجتماعی» را در تأمین امنیت عمومی

^۱Public Security

ج.ا.ا ارائه نماید تا سیستم امنیتی کشور، مبتنی بر ارزیابی و تحلیل عوامل محیط داخلی و خارجی سیستم خود بتواند از سرمایه‌ی اجتماعی در تأمین امنیت عمومی استفاده کند.



ضرورت و اهمیت تحقیق

توجهات و تأکیدات رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص مسائل امنیت ملی و «امنیت عمومی» از جمله فرمایشات معظم له در جمع دانشجویان دانشگاه علوم انتظامی در مورخ ۸۶/۸/۱۶ مبنی بر اینکه «... ما به موازات پیشرفت‌های گوناگون علمی و سیاسی و افتخارات و عزت ملی که بحمدالله به برکت مواضع انقلاب، ملت ما به دست آورده- در سطح منطقه و در سطح جهانی- به احساس «امنیت عمومی» در جامعه نیاز مندیم.» و از سوی دیگر، اقتضائات برهه‌ی کنونی، تغییر در رویکردهای تحقق امنیت و انتقال نگرش سیستم امنیتی از رویکرد سخت به نرم و بهره‌گیری از مفهوم «سرمایه‌ی اجتماعی» در تأمین امنیت عمومی را به امری ضروری بدل ساخته است.

پیشینه‌ی تحقیق

تجربه‌ی بیش از ۳۰ ساله‌ی انقلاب اسلامی و نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران نشان داده است که به‌طور بنیادین و مبنایی در کلیه‌ی امور، اتکا به سرمایه و توان مردم و توده‌های میلیونی خداجوی به‌عنوان یک پارامتر و اصل مناقشه‌ناپذیر، همواره در ایده‌ی کلان و راهبردی حضرت امام(ره)، مقام معظم رهبری و سایر مسئولان ج.ا.ا در تأمین امنیت، نقش‌پذیری داشته و لذا سرمایه‌ی اجتماعی در ایران، از اندوخته‌ی سرشار سرمایه‌ی بی‌کران

دینی برخوردار بوده و امنیت عمومی نیز تاکنون بر همین پایه استقرار یافته است. یکی از تلاش‌های علمی اخیر در تبیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی در امنیت عمومی، پژوهشی است که طی یک سال در دانشکده‌ی امنیت ملی دانشگاه عالی دفاع ملی به انجام رسیده و ماحصل آن در قالب مجلدی با عنوان «سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت عمومی» چاپ شده است؛ پژوهندگان در این تحقیق، با روش پیمایشی و زمینه‌یابی به تجزیه و تحلیل آماری و کمی سازی یافته‌های تحقیق و استفاده از تکنیک SWOT و ماتریس QSPM به تجزیه و تحلیل یافته‌ها پرداخته و در نهایت، راهبردهای دارای اولویت برای تأمین امنیت عمومی را ارائه نموده‌اند. از دیگر تلاش‌های پژوهشی که در تبیین ابعاد نزدیک به این موضوع به ثمر رسیده؛ می‌توان به‌طور نمونه به پژوهش محمد مبارکی (پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد؛ ۱۳۸۳؛ دانشگاه شهید بهشتی) که به بررسی رابطه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی و جرم پرداخته است اشاره نمود؛ یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که هم در سطح کلان و هم در سطح خرد بین «سرمایه‌ی اجتماعی» و «جرم» رابطه‌ی معکوس و معناداری وجود دارد؛ به عبارت دیگر، به هر میزان سرمایه‌ی اجتماعی جامعه و فرد افزایش یابد، از میزان جرائم جامعه کاسته می‌شود. هم‌چنین هر چه قدر، اعتماد اجتماعی و خودباوری در فرد بیشتر شود و فرد احساس مثبت زیادی به دیگران داشته باشد و دارای روابط متقابل زیادی با اطرافیان خود بوده و هم‌چنین احساس کمک یا ایثار نسبت به دیگران در فرد وجود داشته باشد، میزان ارتکاب جرم او کم‌تر خواهد بود. با این حال، با غور و رصد عمده‌ی منابع داخلی و خارجی موجود در این خصوص و به‌رغم تلاش‌های تحقیقی و پژوهشی صورت گرفته در خصوص سرمایه‌ی اجتماعی، موضوع مقاله، به دلیل پرداخت مستقیم به موضوع «امنیت عمومی» به‌عنوان یک متغیر وابسته، بدیع تلقی گردیده و به این لحاظ جنبه‌ی نوآوری در مقاله مورد توجه بوده است.

اهداف تحقیق

این مقاله که باهدف توسعه‌ی دانش راهبردی و ارتقای ارزش‌های امنیتی موجود در جامعه‌ی اسلامی درصدد است: الف- به شناخت و احصای مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی

مرتبط با امنیت عمومی و؛ ب- به شناخت و احصای مؤلفه‌های امنیت عمومی مرتبط با سرمایه‌ی اجتماعی؛ و متعاقباً شناسایی نقش سرمایه‌ی اجتماعی در تحقق و تأمین امنیت عمومی دست یابد.

سؤال تحقیق

پیشرفت علمی این تحقیق مبتنی بر طرح سؤال بوده و لذا فرضیه‌ی مشخصی برای آن تدوین نگردیده است. سؤال اصلی و عمده‌ی این مقاله این بوده است که سرمایه‌ی اجتماعی چه نقشی در تأمین امنیت عمومی ج.ا.ا دارد؟ و اساساً سیستم امنیتی برای تأمین امنیت عمومی، ملزم به رعایت چه ملاحظاتی در به‌کارگیری سرمایه‌ی اجتماعی است؟ بر این اساس، متغیرهای مستقل و وابسته در این تحقیق به ترتیب دو متغیر کیفی، «سرمایه‌ی اجتماعی» و «امنیت عمومی» هستند؛ در واقع، این مقاله، تأثیر دست‌کاری در سرمایه‌ی اجتماعی است که نوسانات امنیت عمومی را نشان می‌دهد.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله، مطالعه‌ی اسنادی با روش «تحلیل ثانوی»^۱ است که طی آن سعی شده تا با استفاده از یافته‌ها و داده‌های تحقیقات پیشین به بسط علمی و کاربردی جدیدی نائل شویم؛ در واقع، ارزیابی و داوری مجدد اقدام پژوهشی انجام‌شده، چشم‌انداز بهتری برای دستیابی به اهداف و نتایج ارزشمندتر فراهم می‌آورد. به عبارت دیگر، به کمک این روش، می‌توان تفاوت‌ها و خلأهای موجود در پژوهش‌های قبلی انجام‌شده را شناسایی و استنتاج کرد و از آن در دستیابی به نتایج کاربردی‌تر بهره برد.

^۱ - «بکر» تحلیل ثانوی را چنین تعریف می‌کند: «استفاده‌ی مجدد از داده‌های علوم اجتماعی پس از آن که پژوهشگر گردآورنده آن‌ها را کنار گذاشته است. پژوهشگر اصلی یا شخص دیگری که به هیچ طریقی در طرح تحقیقاتی اولیه شرکت نداشته است، ممکن است از داده‌ها استفاده‌ی مجدد کند. پرسش‌های تحقیق که در تحلیل ثانویه بررسی می‌شود، ممکن است به فعالیت پژوهشی اصلی مربوط باشد یا کاملاً با آن متفاوت باشد. در این روش، پژوهشگران فرصت بیشتری برای درک و تحلیل داده‌ها (یافته‌ها) خواهند داشت.» (وبلاگ روش تحقیق)

جامعه‌ی آماری تحقیق و ابزار جمع‌آوری

همان‌طور که گفته شد مقاله حاضر مبتنی بر تحلیل ثانوی تحقیقات گذشته که جامعه‌ی آماری این تحقیق، اساتید، محققان و صاحب‌نظرانی بوده‌اند که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم در انجام و پیشرفت تحقیقات و پژوهش‌های مرتبط با موضوع این مقاله، یعنی سرمایه‌ی اجتماعی و امنیت عمومی نقش علمی و اجرایی داشته‌اند؛ حجم نمونه‌ی این تحقیق، تعداد ۴۰ نفر از محققان و پژوهشگران حوزه‌های نظامی، انتظامی، امنیتی، اطلاعاتی، اجتماعی و سیاسی بوده‌اند که بر اساس فرمول تعیین حجم نمونه، با استفاده از روش احتمالی با کدینگ طبقه‌ای نسبی تعیین گردیدند. روش و ابزارهای گردآوری اطلاعات در این تحقیق، رجوع به اسناد و مدارک علمی، کتب و نشریات تخصصی و الکترونیکی (رایانه‌ای)؛ جلسات هم‌اندیشی (تکنیک طوفان مغزی) با صاحب‌نظران و فرا تحلیل بوده است.

مروری بر مبانی نظری و ادبیات تحقیق

سرمایه‌ی اجتماعی: مجموعه‌ای از هنجارهای موجود در سیستم‌های اجتماعی است که موجب ارتقای سطح همکاری اعضای آن جامعه شده و موجب پایین آمدن هزینه‌های تبادلات و ارتباطات می‌گردد. در این مفهوم، سرمایه‌ی اجتماعی به‌عنوان مجموعه‌ی معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی تعریف می‌شود که اعضای گروهی که همکاری و تعاون میانشان مجاز است، در آن سهم هستند. (فوکویاما، ۱۳۸۵: ۱۱-۱۲). این اصطلاح دربردارنده‌ی مفاهیمی همچون آگاهی، اعتماد، مشارکت و روابط متقابل افراد و گروه‌ها و... به معنای مجموعه سرمایه‌هایی است که هر عضو جامعه از طریق شبکه‌های ارتباطی مختلف چون خانواده، اقوام، دوستان، نهادهای اجتماعی و اقتصادی و آموزشی در اختیار داشته و یا به آن دسترسی دارد، که این سرمایه تسهیل‌کننده‌ی روابط اجتماعی و نحوه‌ی همزیستی افراد به سمت دستیابی به اهداف بر مبنای ارزش‌ها و معیارهای رایج مثبت در هر جامعه بوده و برای پیشبرد و بهبود عملکرد اقتصادی، اجتماعی و کیفیت کارکرد نهادهای جامعه، یک عامل ضروری به شمار می‌رود. با عنایت به ضرورت تحدید حوزه تحقیق، مؤلفه‌های اعتماد،

مشارکت و آگاهی به‌عنوان مهم‌ترین مؤلفه‌های سرمایه‌ی اجتماعی برای تحقیق برگزیده شد که در ادامه به‌طور جداگانه به آن‌ها پرداخته می‌شود:

۱- اعتماد

سؤال محوری در بررسی سرمایه‌ی اجتماعی این است که تا چه میزان به دیگران اعتماد دارید؟ این اعتماد نتیجه تعاملات اجتماعی موجود در گروه‌ها، انجمن‌ها و فعالیت‌های اجتماعی است. به‌خصوص اگر این اعتماد از حد فردی به سطح اجتماعی انتقال یابد، به‌عنوان یک سرمایه باارزش تلقی می‌گردد. این سرمایه موجب پایین آمدن سطح هزینه‌های تعاملات اجتماعی و اقتصادی و اقدامات مختلف می‌گردد. اعتماد مردم به یکدیگر، مردم به حکومت و نهادهای اصلی جامعه، اعتماد حکومت و این نهادها به مردم، و جوه مختلف اعتماد اجتماعی را شکل می‌دهند. برای اعتماد مؤلفه‌های زیر را برشمرده‌اند: صداقت، شایستگی، ثبات قابلیت اعتماد، وفاداری و روراستی (کاوسی، طلوعی، ۱۳۸۶: ۱۵)؛ درواقع، اعتماد عبارت است از تمایل به خطرپذیری در بطن اجتماع به این شکل که دیگران بر اساس انتظار ما پاسخ داده و به روش‌های حمایتی دوجانبه عمل نمایند. در این رابطه مؤلفه‌های مرتبط با «اعتماد مطلوب» که برافزایش امنیت عمومی مؤثر هستند عبارت است از:

الف- صداقت و درستی: وجود صداقت و افزایش آن در سازمان پلیس این احساس را به وجود می‌آورد که مردم به پلیس اعتماد کرده و باصداقت به همکاری با آن سازمان برای کاهش جرائم و ناامنی‌ها کمک می‌نمایند.

ب- ثبات قابلیت اعتماد: در صورتی که پلیس بتواند در شرایط مختلف به رفتار مناسب و قضاوت منطقی دست یابد، قابلیت‌هایش افزایش یافته و شایسته ارتباط‌گیری با مردم می‌شود.

ج- وفاداری: اگر سازمان پلیس وفاداری، آبرو و حیثیت سازمانی خود را در وهله‌ی نخست حفظ نماید، در مرحله‌ی بعد هم مرتبط با مجرمین و هم در ارتباط با قربانیان جرم می‌تواند این حس را منتقل نماید، در نتیجه سطح تخلفات در سازمان پلیس کاهش می‌یابد.

د- دین‌داری و خداپرستی: این دو عامل مؤثر هم برای سازمان پلیس و هم برای مردم در طول زمان می‌باشند.

۲-۱- مشارکت

«مشارکت مطلوب» حضور فعالانه‌ی انسان‌ها در حیات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی و به‌طور کلی تمامی ابعاد حیات است. مشارکت اجتماعی به آن دسته از فعالیت‌های ارادی دلالت دارد که از طریق آن اعضای یک جامعه در امور محله، شهر و روستا، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم در شکل دادن حیات اجتماعی مشارکت دارند. (محسنی تبریزی، ۱۳۷۵: ۱۰۸)

اساساً مشارکت دارای شاخص‌های قابل توجهی است که هر کدام به‌نوعی و در یک شعاع خاص امنیت عمومی جامعه را تحت تأثیر قرار می‌دهند. اما مؤلفه‌های مرتبط با حوزه‌های خاص که پلیس می‌تواند از طریق آن‌ها در تعامل با مردم و جامعه به امنیت عمومی کشور کمک نماید دامنه محدودتری نسبت به سایر مؤلفه‌ها دارد. در این رابطه می‌توان به برخی از مؤلفه‌های زیر اشاره نمود: مشارکت سیاسی؛ مشارکت اجتماعی و فرهنگی؛ مشارکت اقتصادی؛ مشارکت دفاعی؛ مشارکت امنیتی

- مشارکت فرهنگی و اجتماعی مردم در تعامل با پلیس عبارت‌اند از:

- ۱- مشارکت در محدود کردن عرصه‌های جرم و جنایت
 - ۲- مشارکت در همیاری پلیس برای جلوگیری از تخلفات راهنمایی و رانندگی
- مشارکت اجتماعی (ملی، شهری و محلی) در حوزه‌های ترافیک، جرم، اغتشاش، کلاهبرداری. مشارکت محلی و شهری نیز که می‌تواند بر امنیت عمومی اثر مثبت گذارد عبارتند از:

- عضویت در بسیج مقاومت که پلیس در آن‌ها نیز فعالیت دارد.
- عضویت در انجمن‌های اولیاء و مربیان، هیئت‌های مذهبی، ورزش‌های جمعی و محلی
- مشارکت در همیاری پلیس
- مشارکت در فعالیت‌های عمرانی و خدمات‌رسانی به مردم شهر
- مشارکت برای کمک به اشتغال و رفع بیکاری جوانان و...

۳-۱- آگاهی و اطلاعات

شهروندان برای اینکه بتوانند در جامعه، مشارکت اجتماعی و سیاسی مطلوبی داشته باشند نیاز به اطلاعات جامعی درباره‌ی مسائل و مشکلات روز جامعه دارند. در واقع، پیش شرط اولیه‌ی مشارکت، آگاهی است و اطلاع از تنوع رسانه‌ها، مشارکت اطلاعاتی با افراد خارج از خانه، تولید اطلاعات واقعی و غیرواقعی، سعی در کشف واقعی بودن یا غیرواقعی بودن اطلاعات، اطلاع از وضعیت محل، شهر، کشور، اطلاع از امنیت از مؤلفه‌های آن به شمار می‌آیند (بهرامی، ۱۳۸۱: ۳)؛ برخی از عوامل مربوط به تأثیر مؤلفه آگاهی بر امنیت عمومی عبارت است از:

- ۱- مشارکت اطلاعاتی پلیس با مردم و تأثیر آن بر امنیت عمومی
- ۲- اطلاع از وضعیت امنیت، محل، شهر و کشور. در این رابطه خدمات پلیس و مردم به شکل طرفینی انجام می‌گیرد. مردم با در جریان قرار دادن پلیس از جرم و جنایت، سرقت و کلاهبرداری، رشوه و ارتشاء، اغتشاش و... می‌توانند به پیش گیری از تخلف و جرم کمک نمایند هم چنین با افزایش امنیت محل و شهر و کشور خود شبکه‌های غیررسمی می‌تواند مردم را در جریان احتمال وقوع جرم، کیفیت و پیامدهای احتمالی آن قرار دهد بدین ترتیب از آثار جرم می‌کاهد.
- ۳- ارتباطات و نقش آن در مشارکت و اعتمادسازی پلیس با مردم (ارتباط گیری نزدیک پلیس با افراد محله؛ شرکت پلیس محله در دوستی‌های همسایگی؛ ارتباط مردم محله یا شهر با نهادهای رسمی؛ مشارکت مردم در مجموعه‌های مذهبی، ورزشی، فرهنگی و تفریحی و تعامل منطقی پلیس با آنها).

۲- امنیت عمومی

امنیت عمومی وضعیتی است که در آن مناسبات اجتماعی بین افراد، نهادهای مدنی و بوروکراسی دولتی، از ظهور، توسعه و نهادینه شدن فسادهای مختلف صیانت شده و در نتیجه جامعه شاهد کاهش ضریب ناامنی افراد از ناحیه‌ی عملکرد سایر بازیگران درونی است (افتخاری: ۱۳۸۴: ۲۷-۲۴)؛ هم چنین «امنیت عمومی» در حوزه‌ی استحفاظی پلیس قرار

دارد که ناظر بر روابط، حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی افراد جامعه با یکدیگر، با گروه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی است؛ به‌طور کلی امنیت عمومی، دربرگیرنده‌ی موضوعاتی چون «پیشگیری از وقوع جرم»، «نظم عمومی» و «حاکمیت قانون و مقررات» در عرصه‌ی اجتماعی خواهد بود.

برخی صاحب‌نظران معتقدند که مفهوم امنیت عمومی، بر حفظ جان، مال و شئون زندگی افراد و مقابله با جرائم و آسیب‌های اجتماعی و نیز برقراری نظم و قانون دلالت می‌کند. جامعه‌ای که در آن احساس امنیت و آرامش نداشته باشد و ضریب امنیت عمومی آن از یک‌سو به خاطر رشد جرائم مانند سرقت، قتل، تبهکاری، مواد مخدر و... و از سوی دیگر به سبب آسیب‌های اجتماعی چون اعتیاد، خودکشی، بی‌نظمی و قانون‌گریزی و... کاهش یابد، فضای عمومی افراد دچار آشفتگی و پریشانی خواهد شد و دل‌مشغولی اصلی آن‌ها مصون ماندن از چنین خطراتی است؛ زیرا افزایش جرائم اجتماعی، زندگی را برای آحاد جامعه غیرقابل‌پذیرش می‌کند. (شفیعی: ۱۳۸۵: ۵)؛ در *دائرةالمعارف «ویکی‌پدیا»*، «امنیت عمومی» این‌گونه تعریف شده است:

عمل و کار ویژه‌ی دولت‌ها در اطمینان‌بخشی به شهروندان، سازمان‌ها، و مؤسسات و نهادها نسبت به حفاظت از آن‌ها در مقابل تهدیدات معطوف به خیر و رفاه و سعادت اجتماعات آن‌ها است.

از دید برخی (قالیباف: ۱۳۸۲: ۱۲)، امنیت عمومی، ناظر بر تولید و حفظ شرایطی است که در آن، منافع، مصالح و حقوق افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تأمین می‌گردد. در این تعبیر، وجوه امنیت عبارت از: سیاسی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی، اجتماعی (فردی-جمعی) بوده و «منشأ بروز تهدید: درون واحد ملی»؛ «حوزه‌ی تحلیل: محیط ملی» و «واحد تحلیل: جامعه، گروه‌ها و نیروهای مؤثر اجتماعی» می‌باشند. در این دیدگاه، «محور تحلیل: منافع، مصالح و یا آسیب‌ها و بحران‌های ناشی از نظم و تعادل و یا تغییر و تحول» است و منظر

نگرش به آن اجتماعی، انتظامی و امنیتی است و هدف از آن پایایی و پویایی نظام اجتماعی است و نیروی انتظامی عهده‌دار حفظ و حراست آن است.

امنیت عمومی طبق تعاریف متعدد ارائه‌شده، دربرگیرنده‌ی دو رکن اصلی است که عبارت‌اند از:

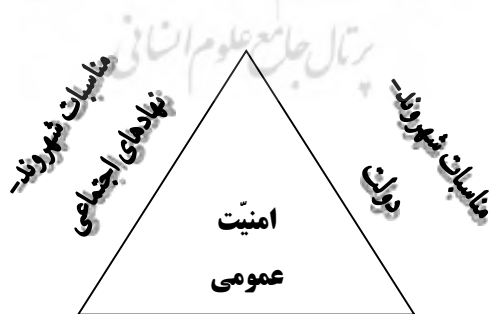
اول: امنیت عمومی در فضای مناسبات میان قدرت رسمی و شهروندان معنا و مفهوم می‌یابد؛ تا از این طریق امکان اعمال قدرت مشروع فراهم آید. دیگر آن‌که دولت وظیفه‌ی مدیریت مناسبات اجتماعی و برخورد با عوامل مخل را عهده‌دار است تا در نتیجه ضریب ایمنی در جامعه افزایش یابد.

دوم: امنیت عمومی ناظر بر نوع مناسبات بین شهروندان است؛ تا از این طریق امکان پالایش مناسبات از مفاسد احتمالی، فراهم آید. بر این اساس، روابط بین بازیگران مختلف در جامعه باید به گونه‌ای تحت نظارت و مدیریت سیستم‌های امنیتی (پلیس، دستگاه قضایی و...) باشد تا ضمن آن‌که متعرض اصل آزادی فردی نشود نوعی اطمینان خاطر را برای افراد ایجاد نماید. در اینجا شاهد نقش پیشگیری-نظارتی قدرت سیاسی هستیم. بنابراین بر پایه‌ی ارکان فوق، برای امنیت عمومی، تنظیم مناسبات زیر قابل ارائه است:

الف- تنظیم مناسبات ملت(شهروند)-دولت

ب- تنظیم مناسبات ملت(شهروند) با نهادهای اجتماعی

ج- تنظیم مناسبات بین شهروندی



مناسبات بین

شهروندی

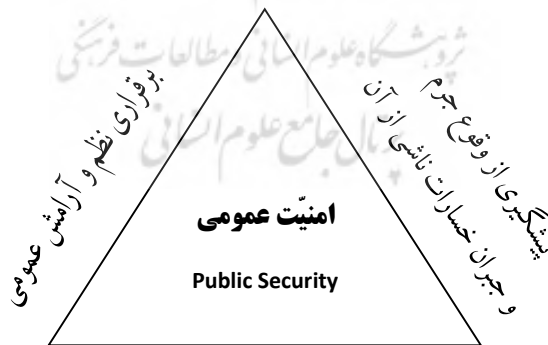
لذا «شهروندان» رکن ثابت هر سه وجه امنیت عمومی به شمار می آیند. (افتخاری: ۱۳۸۴: ۲۷-۲۴)؛ شاخص‌های کلی امنیت عمومی: ایجاد آرامش و نظم عمومی؛ تثبیت حاکمیت قانون و مقررات در جامعه؛ حفظ انسجام جامعه؛ تضمین منافع عمومی (و خصوصی) مردم؛ تأمین امنیت عمومی کار ویژه دولت و سازمان رسمی قدرت است؛ امنیت عمومی بخشی از امنیت داخلی را شامل می‌شود؛ امنیت عمومی بر حفظ مصالح و نظم عمومی شامل تنظیم مناسبات و روابط سالم بین افراد، نهادهای مدنی و بوروکراسی دولتی اشاره دارد؛ امنیت عمومی عمدتاً از طرف افراد ناآگاه و یا منحرف و متخلف-ونه لزوماً دشمن-مورد تهدید است؛ امنیت عمومی دایر مدار پیش‌گیری از وقوع جرائم با جنبه‌ی عمومی و جبران آثار آن است؛ امنیت عمومی از یک‌سو ناظر بر عملکرد کارکنان سازمان قدرت در تعامل با مردم و از سوی دیگر، عهده‌دار مدیریت مناسبات اجتماعی و برخورد با عوامل مخل است؛ امنیت عمومی در ایفای نقش نظارتی-پیشگیری دولت، بر پایه‌ی نظارت سیستم‌های امنیتی، بر بازیگران مختلف در جامعه و شبکه‌ی روابط اجتماعی شکل می‌گیرد تا آزادی‌های مشروع افراد در جامعه مورد تعرض واقع نشود و اطمینان خاطر در جامعه ایجاد شود.

اهم تعاریف و تبیین‌های خاص ارائه‌شده در خصوص «امنیت عمومی»	
وضعیتی که در آن مناسبات اجتماعی بین افراد، نهادهای مدنی و بوروکراسی دولتی، از ظهور، توسعه و نهادینه شدن فسادهای مختلف صیانت شده و در نتیجه شاهد کاهش ضریب ناامنی افراد از ناحیه‌ی عملکرد سایر بازیگران درون جامعه باشیم.	اصغر افتخاری
«امنیت عمومی» در حوزه‌ی استحقاقی پلیس قرار دارد که ناظر بر روابط، حقوق و مسئولیت‌های اجتماعی افراد جامعه با یکدیگر، با گروه‌ها و سازمان‌ها و نهادهای دولتی و غیردولتی است.	بهرام بیات و امیری

اهم تعاریف و تبیین‌های خاص ارائه‌شده در خصوص «امنیت عمومی»	
<p>امنیت عمومی یکی از سطوح امنیتی است که بر اساس تحلیل مرجع امنیت می‌تواند از سایر سطوح امنیتی متمایز شود. در امنیت عمومی، مرجع امنیت «عموم» است. درک عموم از طریق سه بعد مادی، ذهنی و نهادی امکان‌پذیر خواهد بود. چنان‌چه وجود یا بقای حداقل یکی از ابعاد عموم، به صورت اساسی تهدید شود، مسئله‌ی امنیت عمومی شکل خواهد گرفت.</p>	<p>سیامک ره پیک</p>
<p>مفهوم امنیت عمومی، بر حفظ جان، مال و شئون زندگی افراد و مقابله با جرائم و آسیب‌های اجتماعی و نیز برقراری نظم و قانون دلالت می‌کند. جامعه‌ای که در آن احساس امنیت و آرامش نداشته باشند و ضریب امنیت عمومی آن از یک سو به خاطر رشد جرائم مانند سرقت، قتل، تبهکاری، مواد مخدر و... و از سوی دیگر به سبب آسیب‌های اجتماعی چون اعتیاد، خودکشی، بی‌نظمی و قانون‌گریزی و... کاهش یابد، فضای عمومی افراد دچار آشفتگی و پریشانی خواهد شد و دل-مشغولی اصلی آن‌ها مصون ماندن از چنین خطراتی است؛ زیرا افزایش جرائم اجتماعی، زندگی را برای آحاد جامعه غیرقابل‌پذیرش می‌کند.</p>	<p>جمال شفیعی</p>
<p>امنیت عمومی، ناظر بر تولید و حفظ شرایطی است که در آن، منافع، مصالح و حقوق افراد، گروه‌ها و نهادهای اجتماعی تأمین می‌گردد. در این تعبیر، وجوه امنیت عبارت از: سیاسی، اقتصادی، قضایی، فرهنگی، اجتماعی (فردی-جمعی) بوده و «منشأ بروز تهدید: درون واحد ملی»؛ «حوزه‌ی تحلیل: محیط ملی» و «واحد تحلیل: جامعه، گروه‌ها و نیروهای مؤثر اجتماعی» می‌باشند. در این دیدگاه، «محور تحلیل: منافع، مصالح و یا آسیب‌ها و بحران‌های ناشی از نظم و تعادل و یا تغییر و تحول» است و منظر نگرش به آن اجتماعی، انتظامی و امنیتی است و هدف از آن</p>	<p>محمدباقر قالیباف</p>

اهم تعاریف و تبیین‌های خاص ارائه‌شده در خصوص «امنیت عمومی»	
	<p>پایایی و پویایی نظام اجتماعی است و نیروی انتظامی عهده‌دار حفظ و حراست آن است.</p>
	<p>جعفر هزار جریبی</p> <p>امنیت عمومی دارای ماهیت چندوجهی بوده و از مؤلفه‌های اقتصادی، محیط‌زیست و منابع، اجتماعی-فرهنگی و سیاسی تشکیل شده که چهار مؤلفه‌ی فوق‌ناظر بر چهار وجه معیشتی، محیطی، جامعه‌ای و حکومتی است که احراز شرایط حداقلی در هر یک از موضوعات مذکور باعث تأمین امنیت عمومی می‌شود و نابسامانی یا عدم مدیریت در این حوزه-ها، باعث ایجاد مسائل حل‌نشده می‌شود. مسلماً در این چارچوب، ایجاد سازوکار مناسب برای امنیت عمومی بر عهده‌ی حاکمیت است. (هزار جریبی: ۱۳۸۵)</p>

موضوعات امنیت عمومی: تعاریف و برداشت‌ها از امنیت عمومی اساساً دایر مدار موضوع «وقوع جرم» - و به‌طور اخص جرائم دارای جنبه‌ی عمومی - و «نظم عمومی» و «تحکیم قوانین و مقررات» است. بنابراین، در یک نگاه کلی، امنیت عمومی دارای سه بُعد و موضوع اصلی است:



تحکیم قانون و مقررات

۱- امنیت عمومی در وجه «پیش‌گیری از وقوع جرم»

مطالعات درزمینه‌ی «جرم»، حاکی از وجود ایده‌ها، دریافت‌ها، و برداشت‌هایی پیوسته در حال تغییر در خصوص عناصر تشکیل‌دهنده‌ی ماهیت رفتار مجرمانه است. در حقوق جزا، هر فعل یا ترک فعلی که در قانون برای آن مجازات تعیین شده باشد، جرم است. (قانون مجازات اسلامی)، ماده ۲؛ صانعی، ج ۱، ۱۷۲-۱، ۱۷۳؛ اردبیلی، ج ۱، ۱۲۰) و برای آن که رفتار انسان، جرم تلقی شود وجود سه عنصر لازم است:

۱- عنصر قانونی: وصف مجرمانه باید به تعیین قانون باشد.

۲- عنصر معنوی: رفتار مجرمانه باید همراه با قصد مجرمانه یا تقصیر جزایی باشد.

۳- عنصر مادی: شامل تحقق عملیات خارجی حاکی از رفتار مجرمانه. (مبارکی: ۱۳۸۴:

۵۰-۴۹)؛

در معنای جامعه‌شناسانه، «جرم» عملی است که سبب نقض ارزش‌های اجتماعی گردیده و وقوع آن موجب بی‌نظمی در جامعه می‌شود. از دیدگاه جامعه‌شناختی، جرم عملی مخالف بانظم اجتماعی یا مخالف یکی از ضوابط و ارزش‌های مشترک در جامعه است. این ضوابط و ارزش‌ها برآمده از افکار، عقاید و شرایط فرهنگی و اجتماعی آن جامعه است (باهری و داور، ۱۰۲؛ شامبیاتی، ج ۱، ۲۱۶؛ استفانی و دیگران، ج ۱، ۱۴۵). بنابراین بر اساس تعریف‌های قانونی و جامعه‌شناختی جرم، برداشت‌های متنوع و متعددی از جرم وجود دارد که می‌توان هر یک از آن‌ها را بازتاب نوعی چشم‌انداز متفاوت علمی و ایدئولوژیک دانست.

در این خصوص «هیگن» برخی رویکردهای مطرح در عرصه‌ی تعریف جرم را تشخیص داده و آن‌ها را در طیفی از تعریف‌ها به صورت زیر دسته‌بندی کرده است. (Hagan:1987):

برخی رویکردها در تعاریف جرم	
تعریف قانونی و رسمی جرم	بیان‌گر این نکته است که آنچه را دولت جرم بشناسد، جرم است. بدین ترتیب این تعریف، عملی را جرم محسوب می‌دارد که در قوانین جزایی به آن اشاره شده و در قالب تعیین کیفری خاص درازای آن، مشمول ضمانت اجراهای دولتی قرار گرفته است.
برداشت زیان اجتماعی در تعریف جرم	جرم را شامل هر دودسته تخلف‌های مجرمانه ^۱ (از جمله ضرب و شتم یا تهدید به آن) و تخلفات مدنی ^۲ (مانند بی‌احتیاطی) می‌داند؛ با این استدلال که هر دودسته رفتارهای یادشده، در هر حال، زبانی را با خود همراه دارد و بنابراین، باید پذیرای نوعی کیفر باشد؛ خواه در قالب انجام ندادن عمل.
شناسه‌ی هنجار عام بین فرهنگی	جوهره‌ی جرم در گذار از فرهنگ‌های مختلف، دگرگونی نمی‌پذیرد. مثلاً جرم قتل عمد، بدون در نظر گرفتن جامعه‌ای خاص، در هر حال قتل عمد محسوب می‌شود. به این ترتیب، این رویکرد مدعی است که می‌توان وجود انواعی از هنجارهای حاکم بر رفتار را مفروض شمرد که بر گونه‌های متفاوت پیشینه‌های فرهنگی حاکم باشد.

۱- Criminal Offence: بار معنایی واژه‌ی offence (offense) تا حدودی متفاوت با بار معنایی واژه‌ی Crime و دربرگیرنده‌ی گستره‌ای فراگیرتر از آن است. برای مثال، برخی این واژه را به معنای نقض هر گونه قانون، قاعده و مقررات به کار گرفته‌اند.

۲- Civil Offence: این اصطلاح برای اشاره به دو مفهوم زیر به کار می‌رود: نخست، نقض قوانینی که رفتار خاصی را «مزاحمت عمومی» (Public Nuisance) نامیده است؛ و دیگر، رفتاری که به خودی خود مخالف اصول اخلاقی نیست، اما در قوانین موضوعه منع شده است (Malum Prohibitum).

برخی رویکردها در تعاریف جرم	
رویکرد برچسب‌زنی ^۱ در تعریف جرم	وجود جرم فقط زمانی واقعیت می‌یابد که در برابر عملی خاص، نوعی واکنش اجتماعی پدید آمده باشد. واکنشی که بر آن عمل، برچسب مجرمانه وارد آورد؛ نکته‌ای به این معنا که اگر برچسبی وجود نداشته باشد، جرمی وجود نخواهد داشت.
رویکرد حقوق بشر	این رویکرد مدعی است جرم هنگامی رخ می‌دهد که حقی از حقوق بشر نقض شده باشد؛ خواه عمل نقض‌کننده‌ی آن حق، قانونی باشد و خواه خیر. این برداشت، تعریف جرم را تا آنجا گسترش می‌دهد که رسوم ظالمانه‌ای مانند نژادپرستی، تبعیض جنسیتی و بهره‌کشی‌های ریشه گرفته در طبقات اجتماعی را هم در برمی‌گیرد.
رویکرد گوناگونی انسان- ها ^۲	جرم را برحسب وضعیتی تعریف می‌کند که در آن، کج‌روی بیان‌گر واکنشی طبیعی در برابر اوضاع ظالمانه یا توأم با نابرابری است. عمده توجه این رویکرد هم معطوف به روابط قدرت و انواعی از اقدامات گروه‌های مسلط است که باهدف محدود ساختن گوناگونی‌های موجود در تجارب، زبان و فرهنگ انسان‌ها انجام می‌پذیرد.

حاصل آن‌که، تنوع دیدگاه‌ها نسبت به جرم یکی از عوامل ایجاد مقاومت و نابسامانی در پیشگیری جرائم اجتماعی^۳ به‌ویژه ناهنجاری‌های مشهود جرم‌انگاری نشده است.

¹ Labelling

²Human Diversity

^۳- در اینجا پیش‌گیری اجتماعی (Social Prophylaxis) به معنای «جلوگیری از بروز وقایع سخت، یا هر آسیب اجتماعی با اقدامات پیشینی» (ساروخانی: ۱۳۷۲: ۷۲۰) بوده و به‌طور کلی «پیشگیری»، به مجموعه اقدامات، تدابیر و سیاست‌هایی که برای جلوگیری از جرم به کار گرفته می‌شوند، قابل‌تعریف است. این تدابیر ممکن است: الف- در جهت تضعیف موقعیت بزهکاران بالفعل یا بالقوه. ب- تقویت موقعیت بزه دیدگان بالقوه؛ ج- تغییر شرایط ارتکاب جرم (سخت یا پرخطر کردن)؛ د- تسهیل دستگیری مرتکب (امکان

۲- امنیت عمومی در وجه ایجاد «نظم عمومی»

در پاسخ به این پرسش که فرآیند جرم‌انگاری در امنیت عمومی چگونه باید دیده شود؟ باید گفت که از جمله موضوعات مهم در امنیت عمومی کشورها، بحث «نظم اجتماعی» یا «نظم عمومی»^۱ است و در واقع، یکی از بارزترین مصادیق جرائم امنیت عمومی «جرم بر ضد نظم عمومی» بوده و به‌طور نسبتاً مشهود، فصل مشترک امنیت عمومی در میان سیستم‌های امنیتی و کارگزاران ویژه‌ی آن در کشورهای مختلف بحث تأمین و محافظت از نظم عمومی است. آموزه‌ی «حفظ نظم اجتماعی»، به‌عنوان یکی از راه‌کارهای پیش‌گیری از جرم، آن است که بدون همکاری جامعه نمی‌توان به شکلی مؤثر به پیش‌گیری از جرم پرداخت. این برنامه، افراد، گروه‌ها و مجموعه‌ی واحدهای اجتماعی را دست‌اندرکار تأمین امنیت در جامعه می‌داند و می‌کوشد تا نوعی سیاست پیش‌گیری خاص را با به‌کارگیری نیروهای مردمی و در خلال چهارراه ذیل الذکر به اجرا درآورد. (بیلی، دیوید: ۱۳۷۹: ۱۶۲-۱۱۴)

مشاوره	<p>درون‌مایه‌ی مشاوره، پدید آوردن ساختارهای جدید با بررسی اولویت‌ها و راه‌کارهای پیش‌گیری است که با تکیه بر هم‌فکری اعضای جامعه و عمق بخشیدن به تماس‌های مردم و دست‌اندرکاران از طریق برگزاری همایش‌های مستمر، و در قالب تشکیل گروه‌هایی خاص به نام «کمیته‌های مشورتی» صورت می‌پذیرد. این کمیته‌ها چهار وظیفه‌ی زیر را بر عهده‌دارند:</p> <p>۱- سیستم امنیتی (پلیس و...) را در مورد نیازها و مشکلات محل راهنمایی کنند.</p>
---------------	--

ردیابی جرم، فیلم‌برداری از صحنه جرم و ... باشد. بدیهی است، تدابیری که برای بعد از ارتکاب جرائم در نظر گرفته می‌شوند، در پیشگیری از جرائم بعدی یا تشدید یا نتایج همان جرم مؤثرند و به همین دلیل مطالعه آن‌ها ضرورت دارد. (السان: ۱۳۸۵). این پیشگیری باید در سه مرحله: الف- پیش از وقوع جرم؛ ب- مرحله وقوع جرم؛ ج- پس از وقوع جرم موردعنايت قرار گیرد. (نقره‌کار: ۱۳۸۶)

¹Social order or Public order

<p>۲- آموزش‌های لازم را در خصوص جرم و بی‌نظمی به مردم ارائه دهند. با برگزاری همایش‌های خاص، در تشویق مردم به همکاری در ایجاد امنیت عمومی بکوشند؛ و داوطلبان این نوع همکاری را نام‌نویسی کنند.</p> <p>۳- امکان انتقاد رودرروی مردم از سیستم امنیتی و پاسخ‌گویی متقابل را فراهم آورند.</p> <p>۴- سیستم امنیتی را از نارسایی‌ها و کاستی‌ها و هم‌چنین از موفقیت‌هایش آگاه سازند.</p>	
<p>راه‌کار سازگاری، به نیازهای انتظامی و قضایی مواجهه با کج‌روی و تفاوت آن‌ها برحسب مکان توجه دارد و دربرگیرنده اقدامات و برنامه‌ریزی سیستم امنیتی در زمینه‌ی پیش‌بینی فعالیت‌های قانونی خاص به تناسب موقعیت‌ها، مکان‌ها و مردم و فراهم ساختن زمینه‌ی اجرای آن‌هاست.</p>	سازگاری
<p>بسیج در مفهوم عام، بیانگر اقدامات سیستم امنیتی برای دخالت دادن نیروهای مردمی در کار «پیش‌گیری» و «بهبودسازی» این تلاش‌ها از طریق به‌کارگیری تجربه‌ی حرفه‌ای خود و رهبری آن‌هاست. به همین سبب، بسیج، از جمله عملی‌ترین راه‌های افزایش منابع مواجهه با جرم و کج‌روی به حساب می‌آید و به دلیل هزینه‌های بالای افزایش حضور پلیس و فشارهای وارد بر بودجه‌ی دولتی، مورد توجه قرار گرفته است. معروف‌ترین پیش‌نهاد بسیج در سه مرحله‌ی «مراقبت از محله»، «عملیات شناسایی» و «تحقیقات امنیتی» طراحی شده و فعالیت‌های خود را در محورهای زیر سامان داده است: همایش همسایه‌ها، تبادل اطلاعات، یادآوری به همسایگان در زمینه‌ی مراقبت از رفتارهای مشکوک و گزارش دادن آن‌ها به پلیس، زدن شماره‌ی شناسایی شخصی بر اموال، و درخواست مراقبت بیشتر افراد از اماکن مسکونی و تجاری. در تلاش‌های جدید بسیج، حمایت از بزه‌دیدگان و شاهدان نیز مدنظر است. با بزه‌دیدگان هم‌دردی می‌شود.</p>	بسیج
<p>در محور پردازش مشکل، افراد تشویق می‌شوند تا با بهره‌گیری از آموزش‌های لازم، فعالیت‌های مؤثری را در شرایط بحرانی ارتکاب جرم صورت دهند و از این طریق، فرصت بیشتری را برای اقدامات مؤثر پلیس فراهم آورند و محدوده‌ی واکنش‌های ممکن آن را گسترش دهند. در این محور، هم‌چنین به تحلیل نیازها و برآورد فعالیت‌هایی می‌پردازند که سیستم امنیتی و جامعه می‌توانند در راستای کارآمدتر ساختن مبارزه با جرم، انجام دهند.</p>	پردازش مشکل

از مجموع تعاریف، می‌توان «نظم اجتماعی» را مفهوم کلی قابل انطباق بر «امنیت عمومی» و «صیانت حیات» و «آزادی فردی و اجتماعی نوامیس و اموال» دانست، بنابراین هرگاه عملی امنیت عمومی و حیات و شرافت و آزادی فردی و ناموس و اموال دیگری را مورد تعرض قرار دهد، نظم اجتماعی را بر هم زده است. از سوی دیگر «نظم عمومی» نیز مفهومی مشابه دارد. استقرار آرامش، امنیت، صلح و سازش و مهیا کردن امکانات، برقراری روابط اقتصادی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی، فرهنگی و حفظ حقوق جامعه از تعرضات و متوقف کردن ارتکاب اعمال غیرمجاز را «نظم عمومی» می‌گویند. نظم عمومی را می‌توان به سه نوع طبقه‌بندی نمود:

- الف- نظم طبیعی برخاسته از عادات و رسوم و قواعد عرفی هر جامعه تا آنجا که مورد امضای شریعت اسلام قرار گرفته باشد.
- ب- نظم قانونی که بر اساس قوانین و مقررات شرعی لازم‌الاجرا بوده و تعهد نسبت به آن به موجب قانون الزام‌آور است.
- ج- نظم قراردادی که بین اشخاص حقیقی و حقوقی در قالب قراردادهای مختلف مورد توافق و تعهد قرار می‌گیرد و امضاکنندگان را به رعایت آن ملزم می‌سازد. (عمید زنجانی: ۱۳۸۴: ۳۰۹).

۳- امنیت عمومی در وجه «حاکمیت قوانین و مقررات»

نکته‌ی برجسته‌ی موجود در تبیین دو وجه فوق یعنی «جرم» و «نظم و آرامش عمومی» استنادات به سرفصل «قانون» و «مقررات» است؛ بنابراین هرگونه مواجهه با موضوع «جرائم» (اعم از پیش‌گیری، مقابله و برخورد و جبران پیامدهای آن حاصل رفتار بزه‌کاران و آسیب‌پذیری بزه‌دیدگان و...) و یا تلاش و اقدام برای برقراری نظم و آرامش عمومی، جز از طریق «حاکمیت قانون و مقررات و ضوابط ناشی از آن» متصور نیست.

امنیت عمومی در جمهوری اسلامی ایران

مفهوم موجود در «امنیت عمومی»، در جمهوری اسلامی ایران، به‌عنوان یک ضرورت و اصل شرعی و قانونی مهم مورد توجه قرار گرفته است؛ هرچند در متون فقهی و حقوقی اسلامی کلیات مبسوطی راجع به حقوق عمومی و مباحث نظارت عمومی و رعایت مصالح عمومی از قبیل نظم، امنیت، عدالت اجتماعی وجود دارد، لکن آنچه مطالعات ما نشان می‌دهد استفاده‌ی تخصصی از عبارت «امنیت عمومی» سابقه‌ی زیادی نداشته و به حدود یک دهه‌ی گذشته بازمی‌گردد؛ در قوانین حقوقی و کیفری جمهوری اسلامی ایران، در باب «مجازات و اقدامات تأمینی و تربیتی» در قانون مجازات اسلامی، پس از ذکر اقسام مجازات ۵ گانه (۱- حدود ۲- قصاص ۳- دیات ۴- تعزیرات ۵- مجازات بازدارنده)، به توجه ویژه‌ی قانون‌گذار به مراعات اصل مصالح و حفظ نظم عمومی در «مجازات بازدارنده» اشاره شده است. بر این اساس، مجازات بازدارنده؛ تأدیب یا عقوبتی است که در شرع مقدس اسلام به حرمت آن عمل، اشاره‌ای نشده است بلکه به‌منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع توسط حاکم تعیین می‌گردد و مجازات آن نیز به نظر حاکم است. مانند تخلفات راهنمایی و رانندگی. ماده‌ی ۱۷ ق.م.ا. در تعریف مجازات بازدارنده چنین مقرر داشته است: «مجازات بازدارنده تأدیب یا عقوبتی است که از طرف حکومت به‌منظور حفظ نظم و مراعات مصلحت اجتماع در قبال تخلف از مقررات و نظامات حکومتی تعیین می‌گردد از قبیل حبس، جزای نقدی، تعطیل محل کسب، لغو پروانه و محرومیت از حقوق اجتماعی و اقامت در نقطه یا نقاط معین و منع از اقامت در نقطه یا نقاط معین و مانند آن». بر این اساس، بخش مهمی از جرائم امنیت عمومی، صراحتاً در محکومیت‌های با مجازات بازدارنده و تأدیبی قرار دارد. شایان‌ذکر است سایر اقسام مجازات اسلامی نیز در تأمین نظم عمومی (وجه نخست امنیت عمومی) به‌طور جد دخیل می‌باشند که به‌طور نمونه می‌توان به موارد زیر اشاره داشت:

در ماده‌ی ۲۰۳ از ق.م.ا. آمده است: «سرقتی که فاقد شرایط اجرای حد باشد و موجب اختلال در نظم یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد اگرچه شاکی نداشته یا گذشت نموده باشد موجب حبس تعزیری از یک تا پنج سال خواهد بود».

هم‌چنین در ماده‌ی ۲۰۸ از همین قانون آمده است: «هر کس مرتکب قتل عمد شود و شاکی نداشته یا شاکی داشته ولی از قصاص گذشت کرده باشد و اقدام وی موجب اختلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود».

ماده‌ی ۲۲۲ - هرگاه عاقله، دیوانه‌ای را بکشد قصاص نمی‌شود بلکه باید دیه قتل را به ورثه مقتول بدهد و در صورتی که اقدام وی موجب اختلال در نظم جامعه یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.

ماده‌ی ۲۲۴ - قتل در حال مستی موجب قصاص است مگر اینکه ثابت شود که در اثر مستی به کلی مسلوب الاختیار بوده و قصد از او سلب شده است و قبلاً برای چنین عملی خود را مست نکرده باشد و در صورتی که اقدام وی موجب اختلال در نظم جامعه و یا خوف شده و یا بیم تجری مرتکب و یا دیگران گردد موجب حبس تعزیری از ۳ تا ۱۰ سال خواهد بود.

ماده‌ی ۲۶۹ - قطع عضو یا حرج آن اگر عمدی باشد موجب قصاص است و حسب مورد مجنی علیه می‌تواند با اذن ولی امر جانی را با شرایطی که ذکر خواهد شد قصاص نماید.... تبصره ۲- در مورد این جرم چنان چه شاکی نداشته و یا شاکی از شکایت خود گذشت کرده باشد یا موجب قصاص نگردیده ولیکن سبب اختلال در نظم جامعه یا خوف شده یا بیم تجری مرتکب یا دیگران باشد موجب حبس تعزیری از سه ماه تا دو سال خواهد بود و معاون جرم به حبس از دو ماه تا یک سال محکوم می‌شود.

در برنامه‌های توسعه‌ی کشور نیز اولین بار در ماده‌ی ۶۴ قانون برنامه‌ی سوم توسعه (مصوب ۷۹/۱/۱۷) عبارت «حفظ نظم و امنیت عمومی» به کاررفته است. این سیر تکوینی، در راستایی تکامل یافته که دولت جمهوری اسلامی ایران، مطابق با ماده‌ی ۱۱۹ از

بخش پنجم قانون برنامه چهارم توسعه (مصوب ۸۳/۶/۱۱ مجلس شورای اسلامی)، به منظور ارتقای امنیت عمومی و انضباط اجتماعی وظایف ذیل الذکر را عهده‌دار شده است:

الف) آموزش عمومی و ترویج فرهنگ قانون‌مداری، «نظم»، مدارا و زیست سالم... (ج) توسعه‌ی مشارکت همه‌جانبه‌ی همه‌ی ایرانیان، بر اساس حق برابر شهروندی، در نظام تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و مدیریت اجرایی کشور... (و) تهیه طرح راهبردی توسعه نظم و امنیت کشور با رویکرد جامعه‌محوری، مشارکت همگانی و جایگزینی ارزش‌ها و کنترل‌های درونی به جای رویکرد امنیتی و ارتقای احساس امنیت در جامعه. (ز) مبارزه با زمینه‌های بروز بی‌هنجاری، ناسازگاری اجتماعی، خشونت سیاسی و خشونت شهری. (ح) حفظ و ارتقای منزلت اجتماعی گروه‌های مختلف مردم و پیشگیری از بحران‌های منزلتی. (ط) تهیه سازوکارهای لازم جهت توسعه مشارکت مردمی، برای تأمین نظم و امنیت عمومی....

بنابراین همان‌گونه که مشخص است: ۱- نظم عمومی و انضباط اجتماعی؛ ۲- کاهش و مهار جرائم با جنبه‌ی عمومی؛ ۳- تمکین به حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی ایران از اولویت‌های امنیت عمومی در جمهوری اسلامی ایران است. لذا قانون‌گذار، برای مهار جرائم و پیشگیری از بحران‌های ناشی از آن و حفظ نظم عمومی و انضباط اجتماعی در جامعه‌ی اسلامی، در تبیین و تشریح وظایف دولت جمهوری اسلامی ایران، به نقش مشارکتی مردم و تقویت و توسعه‌ی این سیاست و توسعه‌ی نظم و امنیت با رویکرد جامعه‌محوری تأکید نموده و هم‌چنین آگاه‌سازی مردم را از طریق آموزش عمومی و پیشگیری و مهار جرائم مورد توجه قرار داده است.

محیط امنیت عمومی جمهوری اسلامی (محیط واجد سرمایه‌های اجتماعی مثبت و منفی)

همان‌طور که مطرح شد ایجاد و تأمین امنیت عمومی از کار ویژه‌های دولت و سازمان رسمی قدرت بوده لکن سرمایه‌ی اجتماعی، در محیط و عرصه‌ی روابط و پیوندهای شبکه‌ای و ارتباطات بین فردی (خرد)، بین انجمن‌ها و سازمان‌های غیررسمی و رسمی (سطح میانی) و در سطح کلان (نهادهای اجتماعی) شکل می‌گیرد؛ بنابراین نباید لزوماً این انتظار را داشت

که عرصه‌ی اجتماعی، سرمایه‌ی خود را در راستای تأمین امنیت عمومی مورد خواست و نظر نظام تولید نموده و انرژی آن را در این جهت رها سازد. بدون تردید، سرمایه‌ی اجتماعی تولیدشده در جامعه معطوف به ارضا و تأمین نیازهای گروه‌های متشکله‌ی آن خواهد بود و این پارادوکسی است که دولت و نظام تأمین امنیت عمومی در وهله‌ی نخست مواجهه با سرمایه‌های اجتماعی موجود در جامعه با آن روبرو است.

در این راستا، برخی پژوهشگران حوزه‌ی سرمایه‌ی اجتماعی نیز بر وجود سرگردان سرمایه‌های اجتماعی منفی در جامعه تأکید نموده و هر یک به ظن و زعم خود نسبت به رویکرد مثبت و مطلق به سرمایه‌های اجتماعی به دیده‌ی تردید نگریسته‌اند.

درواقع، سرمایه‌ی اجتماعی آنگاه مفهوم و نقش خود را در عرصه‌ی مقولات و چالش‌های امنیتی جامعه بیش‌تر نمایان می‌کند که حدومرز واقعی و وجوه مختلف آن در مسائل عرصه‌ی امنیت عمومی (از جمله ایجاد نظم، پیشگیری از جرائم و حاکمیت قانون) مشخص شود؛ تا هنگامی که ارزش‌گذاری بر روی سرمایه‌ی اجتماعی صرفاً با دید یک مفهوم اثر ساز و توسعه بخش در حوزه‌ی امنیت، الزاماً مثبت انگاشته و وجوه منفی و ضد امنیتی آن مورد توجه قرار نگیرد به‌سختی می‌توان به برداشت صحیحی از نقش سرمایه‌های اجتماعی موجود در جامعه در عرصه‌ی امنیت عمومی نائل شد؛ بنابراین هنگامی که سرمایه‌های اجتماعی سیال، متکثر و بعضاً در جهات متضاد در فضای عمومی جامعه وجود دارد این به‌نوعی تساهل در برداشت و نظر خواهد بود که از نقش سرمایه‌ی اجتماعی در امنیت عمومی سخن گفته شود؛ در اینجا، شناسایی بازیگران و ذی‌نفعان^۱ متفاوت و متنوع برای مدیریت سرمایه‌های اجتماعی در راستای امنیت عمومی ضروری است؛ برخی از این ذی‌نفعان مؤثر در محیط و عرصه‌ی امنیت عمومی عبارت‌اند از:

- دولت و نهادهای وابسته به آن (نیروهای انتظامی (پلیس)، دستگاه قضایی، امنیتی و...)
- فعالان سازمان‌های سیاسی و غیرسیاسی مدنی (احزاب، سمن‌ها) سازمان‌های مردم‌نهاد و...)

¹ stakeholders

- شبکه‌های غیررسمی محلی (در قالب مثبت هیئت و گروه‌های مذهبی، و قالب منفی گروه‌های بزه کار و...)

- رسانه‌های ارتباطی و شبکه‌های اجتماعی داخلی و خارجی (از مطبوعات و نشریات محلی گرفته تا ماهواره‌ها و شبکه‌های اجتماعی مجازی)

-- نهادها و سازمان‌های حرفه‌ای بین‌المللی (نهادهای حقوق بشری، عفو بین‌الملل و...)

- گروه‌ها و متولیان امور دینی (مراجع عظام تقلید، علما، حوزه‌های علمیه، مساجد، ائمه جماعات و...)

- نخبگان و گروه‌های مرجع اجتماعی غیرهمسو با سیاست‌های نظام

- خرده جنبش‌ها و جریانات فرهنگی-اجتماعی

- و...

گروه‌های فوق، ضمن آنکه می‌توانند نقش مؤید، مقوم و همسو با سرمایه‌ی اجتماعی مطلوب

در جامعه را ایفا نمایند قادر هستند

نقش ضد گفتمان، تضعیف‌کننده،

متضاد و رقیب با سرمایه‌ی

اجتماعی مطلوب که در راستای

تأمین امنیت عمومی عمل می‌نماید

را داشته باشند. در واقع، به‌جز

کارگزاران امنیتی دولتی و

حاکمیتی (پلیس و قوه‌ی قضائیه

و...) که از مسئولیت قانونی و

حقوقی در انتظام و امنیت بخشی

در جامعه برخوردارند، رصد نقش

و بازیگری فعالان و نهادهای



مدنی دارای رویکرد مختلف (مانند احزاب، سمن‌ها و...) مهم است. به‌طور نمونه، طرح تلاش

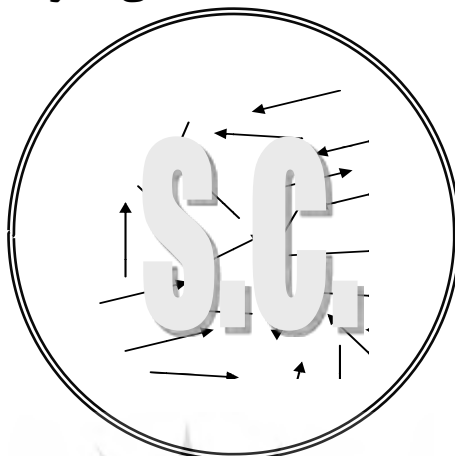
دانشگاهی نماینده‌ی بنیاد سوروس در ایران (یحیی کیان تاج‌بخش) برای ترویج و بسط هدفمند این مفهوم در حوزه‌های تئوریک و معرفتی کشور را می‌توان از تلاش‌های ضد امنیتی در کاربرد سرمایه‌ی اجتماعی قلمداد نمود. وی در این خصوص اظهار داشته:

«...سرمایه‌ی اجتماعی کتابی بود که من تألیف کردم، این کتاب قبلاً توسط دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور به فارسی ترجمه شده بود و کتابی مهم در علوم سیاسی در آمریکا و متعلق به پاتنام بود؛ چند سال بعد، من کتاب دیگری در مورد سرمایه‌ی اجتماعی نوشتم و این سبب شد که این مقوله‌ی سرمایه‌ی اجتماعی قابل تدریس بشود، بنابراین من در یکی از کلاس‌های دوره‌ی دکترای دانشگاه تهران این بحث را طرح و تدریس کردم... مقوله و مفهوم سرمایه‌ی اجتماعی در داخل مجلات رسمی وزارت کشور - که برای تمام شهرداری‌های کشور ارسال می‌شد - برای اولین بار مطرح شد... هدف درازمدت بنیاد سوروس برای پیاده کردن فلسفه‌ی جامعه‌ی باز این بود که بین حاکمیت و ملت شکاف ایجاد بشود و از طریق این شکاف آن قسمت‌های جامعه‌ی مدنی که بر مبنای جامعه‌ی باز شکل گرفته و توانمند شده روی حاکمیت به منظور تغییر رفتارشان فشار اعمال کند...»

به همان تعبیری که تاج‌بخش سرمایه‌ی اجتماعی را باهدف غایی ایجاد شکاف میان حاکمیت و مردم مطرح می‌سازد؛ سایر بازیگران و ذی‌نفعان عرصه‌ی اجتماعی نیز قادرند سرمایه‌های اجتماعی در اختیار (اعم از بسترهای اعتماد زایی، حس مشارکت جویی و آگاهی دهی) را در راستای اهداف شخصی شده و غیرهمسو با نظام مصروف دارند به طوری که برآیند سرمایه‌های اجتماعی لزوماً به تقویت امنیت عمومی منجر نگردد. بنابراین، در تبیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی در امنیت عمومی، نخست می‌بایست به محورهای نمونه‌ی زیر توجه نمود و در قبال آن‌ها تدبیر صحیحی اندیشید:

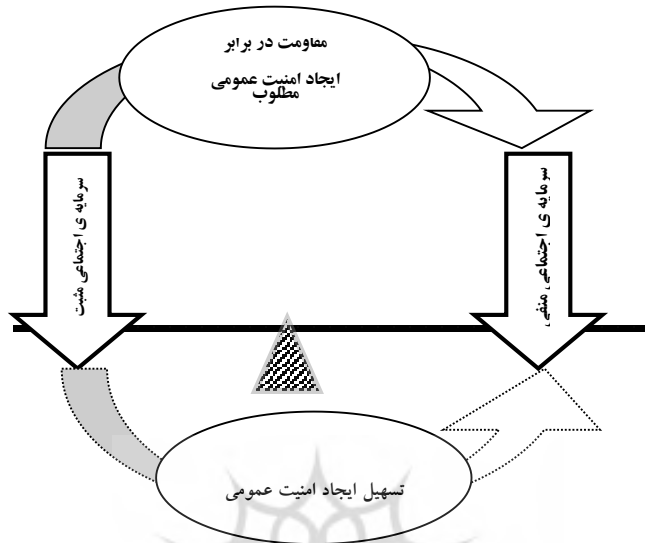
- سازوکار مواجهه با رقابت گروه‌های متعدد و متفرق اجتماعی برای جلب و جذب سرمایه‌های اجتماعی
- سرمایه‌ی اجتماعی ظاهراً پرسود ناشی از تبانی در گروه‌های بزه‌کار (سارق، زورگیر، قاچاقچی و...)
- عناصر شبکه‌های اجتماعی واقعی و مجازی غیردولتی که از قدرت شبکه‌ای پرنفوذی برخوردار می‌شوند.
- سرمایه‌ی اجتماعی ایجادشده میان رسانه‌ها و برنامه‌های ماهواره‌ای بیگانگان با مخاطبین و بینندگان داخلی
- سرمایه‌ی اجتماعی میان عناصر و فعالان حزبی داخلی با گروه‌های معاند و اپوزیسیونی نظام
- سرمایه‌ی اجتماعی میان عوامل مؤثر درون حاکمیتی با بیگانگان و غیرخودی‌ها
- سرمایه‌ی اجتماعی جریانات و گروه‌های معارض فرهنگی (جریانات فمینیستی و...)
- در میان اقشار مختلف
- سرمایه‌ی اجتماعی کارگزاران اصناف و اتحادیه‌های صنفی در میان واحدهای خرد صنفی و تجاری
- سرمایه‌ی اجتماعی سیال نخبگان و گروه‌های مرجع اجتماعی در میان لایه‌های مختلف جامعه
- سرمایه‌ی اجتماعی فعالان تشکل‌های متکثر غیردولتی و غیرانتفاعی در میان مردم
- سرمایه‌ی اجتماعی فعالان جریانی، سیاسی، حزبی و... در میان هواداران و حامیان مرامنامه‌ی حزبی
- سرمایه‌ی اجتماعی بین عناصر گروه‌های نسبتاً سازمان‌یافته‌ی اراذل و اوباش محلی
- سرمایه‌ی اجتماعی میان اقوام و گروه‌های قومی - و حتی مذهبی - مقیم کلان‌شهرها
- سرمایه‌ی اجتماعی میان خرده‌جنبش‌های فعال در جامعه با سایر گروه‌ها
- و...

نمایش جهات بردارهای سرمایه‌های اجتماعی (اعتماد، مشارکت، آگاهی و...) در یک محیط امنیتی متکثر



همان‌طور که مشاهده می‌شود بردارهای سرمایه‌های اجتماعی موجود در محیط امنیتی؛ اشکال متفاوتی از اعتماد، مشارکت، آگاهی و... در یک جامعه‌ی متکثر را به نمایش گذارده است؛ اعتمادسازی‌ها، مشارکت‌جویی‌ها و آگاه‌سازی‌های جعلی و منفی در سطح جامعه، فضای پرچالشی برای سیستم امنیتی در به کارگیری سرمایه‌ی اجتماعی ایجاد می‌نماید؛ به‌طور مثال، گروه‌هایی که هواداران خود را به ناآرامی و اقدامات ضد امنیت عمومی، برای به‌اصطلاح احقاق حقوق آنان فرامی‌خوانند از جمله بردارهای متضادی است که در جامعه وجود دارد. بنابراین، مدیریت بیشینه‌سازی بردار برآیند سرمایه‌های اجتماعی موجود در محیط امنیتی، ضرورتی است که کارگزاران و مسئولان سیستم امنیتی کشور در جریان پیاده‌سازی و استقرار امنیت عمومی بدان توجه خواهند داشت؛ به‌عبارت‌دیگر، تلاش در جهت چرخش مطلوب گشتاور سرمایه‌ی اجتماعی مورد تأکید خواهد بود.

تأمین امنیت عمومی با سرمایه‌ی اجتماعی مطلوب



تجزیه و تحلیل کیفی یافته‌ها

سرمایه‌ی اجتماعی در محیط داخلی و خارجی سیستم امنیت عمومی

بر پایه‌ی یافته‌های مطالعاتی و پردازش نظرات حدود ۳۰ نفر از نخبگان و صاحب‌نظران حوزه‌های «امنیت عمومی» و «سرمایه‌ی اجتماعی»، عوامل مختلفی در محیط داخلی (IF^۱) و محیط خارجی (EF^۲) سیستم امنیتی (پلیس و دستگاه قضایی) شناسایی گردیده‌اند که مبتنی بر آن سه مؤلفه‌ی اعتماد، مشارکت و آگاهی اجتماعی در تأمین امنیت عمومی مؤثر می‌باشند؛ این عوامل در محیط داخلی و خارج سیستم امنیتی، به صورت نقاط ضعف، قوت و یا مؤلفه‌های فرصت و تهدید شناسایی و احصا گردیده‌اند؛ ماتریس عوامل داخلی (قوت‌ها و ضعف‌ها) شامل ۱۸ عامل محیطی، ۸ عامل قوت و ۱۰ عامل ضعف است. ماتریس عوامل خارجی (فرصت‌ها و تهدیدها) نیز شامل ۱۴ عامل محیطی، ۷ فرصت و ۷ تهدید است.

¹Internal Factors

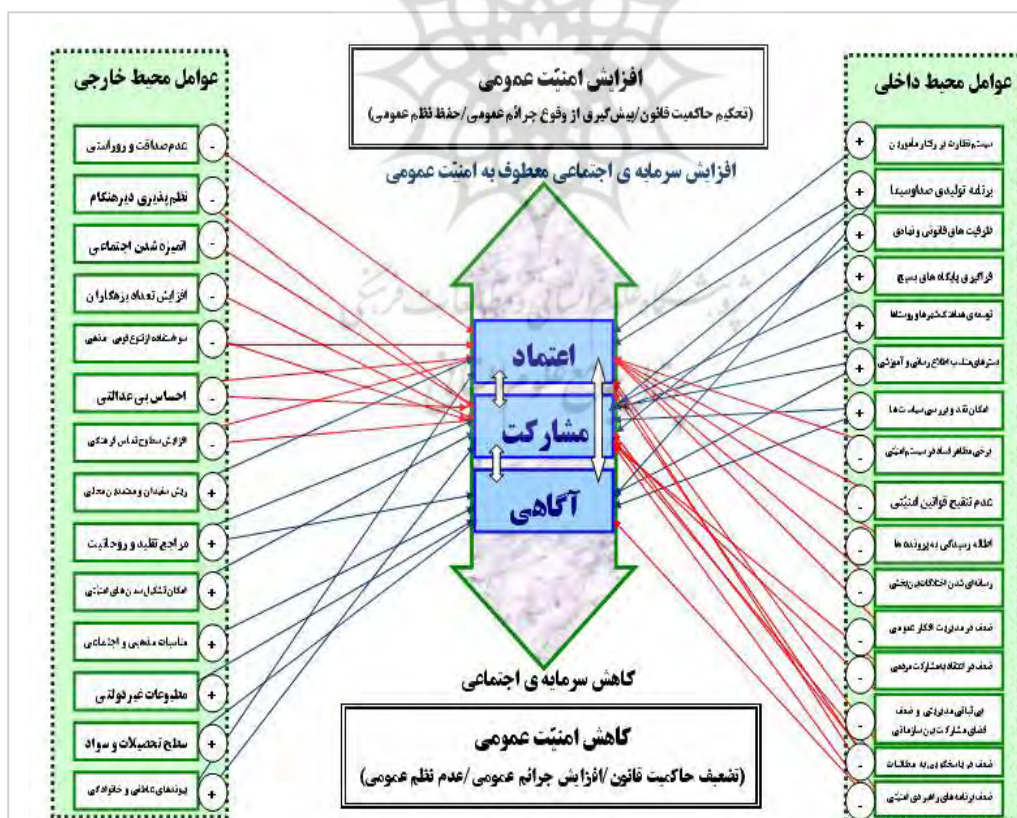
²External Factors

جدول و الگوی مفهومی زیر دربرگیرنده‌ی مؤلفه‌ها و عواملی است که با تأثیر بر عناصر سرمایه‌ی اجتماعی در تأمین امنیت عمومی مؤثر می‌باشند. (گروه مطالعاتی دانشکده‌ی امنیت ملی: ۱۳۸۸: صص ۱۷۰-۱۶۹)؛

تأمین امنیت عمومی (پیش‌گیری از وقوع جرم + نظم عمومی + حاکمیت قانون)		امنیت عمومی سرمایه‌ی اجتماعی
عوامل محیط خارجی سیستم امنیتی (تهدید و فرصت)	عوامل محیط داخلی سیستم امنیتی (نقاط قوت و ضعف)	
عدم صداقت و روراستی / سوءاستفاده از تنوع قومی و مذهبی / تسری احساس بی‌عدالتی در بین عامه / افزایش سطوح تماس فرهنگی / ریش سفیدان و معتمدان محلی / پیوندهای عاطفی، خویشاوندی و خانوادگی / تقدم منافع نهادهای مدنی بر منافع ملی / خرده‌فرهنگ‌های مرکز‌گریز / وجود روحیه‌ی فداکاری و احساس همبستگی اجتماعی / مناسبت - های مذهبی / جلب اعتماد نخبگان علمی و ...	وجود سیستم نظارت بر رفتار مأمورین / برنامه‌های تولیدی رسانه‌ی ملی / برخی مظاهر فساد در سیستم امنیتی / اطاله‌ی رسیدگی به پرونده - های قضایی / عدم تنقیح قوانین امنیتی / رسانه‌ای شدن اختلافات بین بخشی / بی‌ثباتی مدیریتی و ضعف فضای مشارکت بین سازمانی / ضعف برنامه - های راهبردی امنیتی / ضعف در پاسخ‌گویی به مطالبات / ضعف در مدیریت افکار عمومی / وجود ارتباط عمودی دولت - مردم / ضعف در وجدان کاری و روحیه‌ی مسئولیت‌پذیری کارگزاران دولتی و ...	ایجاد

تأمین امنیت عمومی (پیش‌گیری از وقوع جرم + نظم عمومی + حاکمیت قانون)		امنیت عمومی سرمایه‌ی اجتماعی
عوامل محیط خارجی سیستم امنیتی (تهدید و فرصت)	عوامل محیط داخلی سیستم امنیتی (نقاط قوت و ضعف)	
<p>فتاوا و توصیه‌های مراجع و روحانیون مذهبی / نظم‌پذیری دیر هنگام اجتماع/افزایش متمیزه شدن اجتماعی/ افزایش تعداد بزه‌کاران (معتادین و...) در جامعه/ سوءاستفاده از تنوع قومی و مذهبی / امکان تشکیل سمن‌های امنیتی / پیوندهای عاطفی و خانوادگی / احساس بی‌عدالتی در میان مردم/ افزایش سطوح تماس فرهنگی/تغییر ارزش‌های حاکم بر جامعه از ابعاد معنوی به مادی/گسترش بهره‌برداری شهروندان از وسایل ارتباط جمعی فرامرزی/نگرش مثبت مردم به نیروهای امنیتی.</p>	<p>برنامه‌های تولیدی رسانه‌ی ملی/ ظرفیت‌های قانونی و نهادی/ فراگیری جغرافیایی پایگاه‌های بسیج/ بسترهای مناسب اطلاع‌رسانی و آموزشی/ امکان نقد و بررسی سیاست‌ها/ ضعف در مدیریت افکار عمومی / ضعف در اعتقاد به مشارکت مردمی / ضعف برنامه‌های راهبردی امنیتی / ضعف در پاسخ‌گویی به مطالبات مردم/ توجه به توسعه‌ی هماهنگ شهرها و روستاها/ بی‌ثباتی مدیریتی و ضعف فضای مشارکت بین سازمانی/ پای بندی دولت به تحقق حقوق ملت/تمرکززدایی از اختیارات دولتی/نظام شایسته‌سالاری/توسعه‌ی متوازن/ فقدان معاضدت قضایی از مشارکت جویی مردم با سیستم امنیتی.</p>	<p>۳ ۱ ۲</p>

تأمین امنیت عمومی (پیش‌گیری از وقوع جرم + نظم عمومی + حاکمیت قانون)		امنیت عمومی سرمايه اجتماعی
عوامل محیط خارجی سیستم امنیتی (تهدید و فرصت)	عوامل محیط داخلی سیستم امنیتی (نقاط قوت و ضعف)	
آگاهی‌های دینی و ارشادات علما و روحانیون مذهبی / توسعه‌ی سطح تحصیلات و سواد / مطبوعات غیردولتی / مناسبت‌های مذهبی و اجتماعی و...	ضعف برنامه‌های راهبردی امنیتی / امکان نقد و بررسی سیاست‌ها / بسترهای مناسب اطلاع‌رسانی و آموزشی / برنامه‌های تولیدی رسانه‌ی ملی / کارگزاران ناآشنا به شیوه‌های نرم‌افزاری استقرار امنیت و...	تهدید



تهیه ماتریس‌های ارزیابی عوامل داخلی و خارجی

پاسخ به سؤال تحقیق و نتایج حاصله

در این تحقیق تلاش بر آن بود تا به این سؤال عمده پاسخ داده شود که اساساً «سرمایه‌ی اجتماعی چه نقشی در امنیت عمومی ایفا می‌نماید؟»؛ در تحلیل ثانوی پژوهش مشخص گردیده که سرمایه‌ی اجتماعی در وجوه مختلف امنیت عمومی یعنی پیشگیری از جرائم، برقراری نظم عمومی و حاکمیت قوانین و مقررات نقش مثبتی ایفا می‌کند؛ لکن آنچه در تحقیق حاضر بیش‌ازپیش مورد تأکید و توجه قرار گرفت این بود که «سرمایه‌ی اجتماعی» به‌عنوان یک مفهوم تک‌ساحتی در محیط امنیتی کشور قابل بررسی نیست بلکه این مفهوم اثرگذار به‌طور متکثر در میان بازیگران، عناصر، لایه‌ها و شبکه‌های مختلف اجتماعی سیالیت داشته و این کارگزار و کاربران سرمایه‌های اجتماعی در جامعه هستند که به میزان انطباق‌پذیری با سیاست‌های امنیت عمومی نظام، تأمین امنیت عمومی را رقم می‌زنند. به‌عبارت‌دیگر، بُردار سرمایه‌های اجتماعی موجود در یک جامعه‌ی متکثر، به میزان جهت‌گیری مغناطیس خود در راستای مرجع امنیت عمومی جامعه نقش مثبت (تسهیلگر) یا نقش منفی (مقاوم، مانع و رادع) در این عرصه ایفا می‌کنند. لذا منابع سرمایه‌های اجتماعی مثبت و منفی در جامعه یکی از دغدغه‌ها و مسائل عمده‌ای است که سیستم تأمین‌کننده‌ی امنیت عمومی کشور نیازمند رصد و بازشناسی دقیق آن است. به‌طور کلی، گزاره‌های مهم در تبیین نقش سرمایه‌ی اجتماعی در امنیت عمومی به‌صورت زیر قابل ارائه است:

- افزایش سرمایه‌های اجتماعی در جامعه لزوماً به افزایش امنیت عمومی منجر نمی‌گردد.
- جهت‌گیری سرمایه‌های اجتماعی موجود در جامعه به سمت سیاست‌های امنیت عمومی نقش مهمی در تضمین نظم، پیش‌گیری از وقوع جرائم و حاکمیت قانون دارد.
- افزایش سرمایه‌های اجتماعی منفی در یک جامعه که به‌رغم توسعه‌ی کمی و کیفی در راستای اعتمادسازی، مشارکت‌افزایی و آگاهی بخشی اجتماع برای تأمین امنیت عمومی و ملی عمل نکند نقشی مقاوم و مانع در برابر اجرای سیاست‌های امنیت عمومی خواهد داشت؛

افزایش اعتماد میان گروه‌های خاص اجتماعی، ایجاد انگیزه‌های بیش‌تر در میان برخی اقشار برای مشارکت‌های خاص (حزبی، جریانی و...) در عرصه‌های مختلف و آگاهی‌بخشی‌های منفی که به استبعاد و اعراض ملی از سیاست‌های امنیتی حاکم منتهی می‌گردد از جمله عوامل محل تحقق و تأمین امنیت عمومی سالم و پایدار در عرصه‌ی اجتماعی است.

- هرچند شناسایی به هنگام نقاط ضعف و قوت (عوامل محیط داخلی) و هم‌چنین نقاط تهدید و فرصت (عوامل محیط خارجی) در سیستم امنیتی - آن‌گونه که در مدل و الگوی مفهومی پیشین ارائه گردید- نقش مهمی در کاهش یا افزایش سرمایه‌ی اجتماعی مثبت و مطلوب و در نتیجه تأمین امنیت عمومی خواهد داشت؛ لکن محاق افزایش سرمایه‌ی اجتماعی حول سیستم امنیتی کشور نباید این سیستم را از نگاه ژرف و دقیق نسبت به سایر بازیگران غیردولتی و سرمایه‌های اجتماعی در اختیار آنان غافل سازد.

- توجه به «مدیریت سرمایه‌های اجتماعی موجود در جامعه» و برنامه‌ریزی در راستای هدف‌مندی آن‌ها در جهت تحقق امنیت عمومی، از وظایف سیستم امنیتی و نظام سیاست‌گذاری امنیت عمومی است.

در مجموع، از مطالعات و بررسی‌های نظری و عملی و پردازش یافته‌ها و داده‌های این پژوهش مبتنی بر آرا و نظرات نخبگان و کارشناسان امنیتی، می‌توان ارتباط تنگاتنگ و مستقیم سرمایه‌ی اجتماعی مبتنی بر مبانی و آموزه‌های اسلامی با رویکردهای نرم تحقق و تأمین امنیت عمومی در بستر جامعه کنونی را مستفاد دانست.

به جرئت می‌توان گفت که رویکرد نوین این مقاله به دلیل بررسی نقش و تأثیر سرمایه‌های اجتماعی منفی در جامعه‌ی متکثر و محیط امنیت عمومی، از ویژگی تحقیقی و پژوهشی جدیدی برخوردار بوده و از این منظر نگاهی نو و منتقدانه به موضوع سرمایه‌ی اجتماعی گردیده که به نظر می‌رسد در توسعه‌ی مفهومی آن در نظام امنیتی و حصول به نتایج واقع‌گرایانه‌تر در انطباق با شرایط عمومی جامعه‌ی کنونی توفیق یافته باشد.

منابع

- افتخاری، اصغر (۱۳۸۴)؛ «معمای امنیت عمومی؛ در آمدی بر جایگاه تازه پلیس در جامعه»؛ مندرج در کتاب مجموعه مقالات کنکاشی بر جنبه‌های مختلف امنیت عمومی و پلیس؛ تهران: دانشگاه علوم انتظامی ناجا.
- السان، مصطفی (۱۳۸۵)؛ «نقش نهادهای پیشگیری و حفاظت اجتماعی در ترویج فرهنگ کنترل جرائم شهری»؛ مندرج در بخش مقاله‌های کیفی در وبسایت دادستانی کل کشور (قوه قضائیه)
- بهرامی، فردین (۱۳۸۱)، «ابعاد بیرونی سرمایه‌ی اجتماعی»، تهران، انتشارات نسیم البرز، شماره ۳۱۰. بیات، بهرام و امیری، عبدالرضا؛ گزارش اجتماعی: تهدیدات نرم آمریکا و راهبردهای مقابله با آن؛ معاونت اجتماعی و ارشاد ناجا، اداره کل مطالعات اجتماعی.
- بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در هفدهمین دوره‌ی دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه ناجا. بیللی، دیوید ه. (۱۳۷۹)؛ پلیس آینده؛ ترجمه‌ی غلامرضا زندی؛ ترجمه‌ی منتشر نشده؛ تهران: معاونت آموزش ناجا.
- ره پیک، حسن (۱۳۸۵)؛ «درک امنیت عمومی»؛ مندرج در فصل‌نامه‌ی امنیت عمومی، شماره ۱. ساروخانی، باقر (۱۳۸۱)؛ نقش وسایل ارتباط جمعی در پیشگیری از وقوع بزهکاری؛ ناشر معاونت امنیت و انتظامی وزارت کشور (چاپ اول)؛ تهران.
- عمید زنجانی، عباسعلی (۱۳۸۴)، فقه سیاسی (مبانی حقوق عمومی در اسلام)، ج ۷، تهران: امیرکبیر. فوکویاما، فرانسیس (۱۳۸۵)، پایان نظم (سرمایه‌ی اجتماعی و حفظ آن)؛ ترجمه‌ی غلام عباس توسلی؛ تهران: حکایت قلم زرین، چاپ دوم.
- کاووسی، اسماعیل، طلوعی اشلقی، عباس (۱۳۸۶)، ابعاد، مؤلفه‌ها و شاخص‌های اندازه‌گیری سرمایه‌ی اجتماعی"، پژوهشنامه سرمایه‌ی اجتماعی، تهران، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک مبارکی، محمد (۱۳۸۳)؛ بررسی رابطه بین سرمایه‌ی اجتماعی و جرم (پایان‌نامه کارشناسی ارشد)؛ دانشگاه شهید بهشتی؛ تهران.
- محسنی تبریزی، علیرضا، (۱۳۷۵) "بیگانگی مانعی برای مشارکت و توسعه ملی"، نامه پژوهش، شماره ۱.

نقره کار، صالح (۱۳۸۶)؛ « رسالت پیشگیری از وقوع جرم و آسیب‌های اجتماعی وظیفه ذاتی نهاد مدعی‌العمومی کشور»؛ مندرج در بخش مقاله‌های کیفی در وبسایت دادستانی کل کشور (قوه قضائیه) به آدرس:

<http://www.dadsetani.ir/newver/maghalat.asp?select=keyfari>

